



نقش فرهنگ در تحول
دولت و دین مسلمانان

علی باقری (ح. ن)
عضویت علمی دانشگاه تهران

۳	فهرست :
۱۶	مقدمه :
۲۳	بخش اول : بررسی اصطلاحات و مفاهیم و تعریف و تحدید آنها
۲۴	فصل اول : فرهنگ
۲۵	اصطلاحات و مفاهیم
۲۵	ریشه فرهنگ در زبان فارسی
۲۶	فرهنگ در دوران اخیر
۲۶	تحول معنای فرهنگ
۳۲	فرهنگ و تمدن
۳۳	تعاریف فرهنگ به مثابه میراث اجتماعی مشترک
۳۳	تعریف هنجاری از فرهنگ
۳۵	فرهنگ چیست
۳۶	روشهای گوناگون در جامعه
۳۸	تبعیت از هنجارهای اجتماعی
۳۹	فرهنگ پذیری
۳۹	جامعه پذیری
۳۹	موانع جامعه پذیری
۴۰	عوامل مؤثر در جامعه پذیری
۴۰	فرهنگ و سنت
۴۰	عناصر فرهنگی
۴۰	رسوم اخلاقی
۴۱	شیوه های قومی
۴۱	هنجار
۴۱	تفاوت فرهنگ و تمدن
۴۴	میراث فرهنگی

۴۵	ویژگی های فرهنگ
۴۶	موضوعات فرهنگ و دین
۴۸	فرهنگ و ماندگاری باورها
۵۰	الگوهای رفتاری و فرهنگ
۵۱	گروه های اجتماعی و اقوام همبستگی
۵۲	علل همبستگی میان افراد
۵۳	کارکرد عصبیت و همبستگی
۵۴	تغییرات فرهنگی
۵۵	مقاومت در مقابل تغییر
۵۶	فرهنگ پذیری
۵۸	فصل دوم: دین
۵۹	تاریخ
۵۹	تحول
۶۰	تغییر تحول
۶۲	ملت و رفتارهای خاص
۶۵	دین
۶۷	تعریف دین
۶۸	معنی دین از دیدگاه مسلمانان
۷۰	دین در کتاب قاموس قرآن
۷۳	پیدایش و تحول ادیان
۷۵	دین ، عوالم و ارزشها
۷۷	دین و علم
۷۸	علم دین
۸۰	دین و جامعه
۸۲	دین : خادم یا مخدوم
۸۴	ایدئولوژی و دین
۸۴	ضرورت ایدئولوژی
۸۶	عدم ارتباط میان ایدئولوژی و دین
۸۷	ایدئولوژی و دین از دید دانشمندان مسلمان

۸۹	 رابطه تحول با تغییر و دین
۹۰	 تغییر و تحول و ثبات
۹۱	 حوزه تغییرات
۹۳	 ابعاد و شرایط ثبات
۹۴	 ثبات و امنیت
۱۰۱	 فصل سوم : دولت و فرهنگ
۱۰۲	 دولت و فرهنگ
۱۰۲	 اصطلاح دولت
۱۰۳	 تعریف دولت از دیدگاه سیاسی
۱۰۴	 عناصر تشکیل دهنده دولت
۱۰۵	 تحول مفهوم دولت
۱۰۶	 تحول ، و انقراض دولت ها
۱۰۹	 دولت و ارکان آن
۱۰۹	 جمعیت یا جامعه
۱۱۱	 جامعه یا امت
۱۱۲	 وضع موجود امت مسلمانان
۱۱۴	 امت مسلمان و تعدد مذاهب
۱۱۶	 سرزمین
۱۱۷	 حکومت
۱۱۸	 حکومت و نظم
۱۲۲	 مشارکت مردم و قدرت حکومت
۱۲۳	 تحولات در حکومت
۱۲۴	 عدم نظارت بر حکومت
۱۲۶	 حاکمیت
۱۲۸	 قدرت و حاکمیت
۱۳۰	 قدرت
۱۳۲	 حق حاکمیت یا کیست ؟
۱۳۳	 بررسی انواع روابط مردم و حکومت
۱۳۴	 مشروعیت

۱۳۴	 مقبولیت
۱۳۴	 بی تفاوتی
۱۳۵	 گروه مخالف
۱۳۵	 گروه های مخالف مبارز
۱۳۵	 فرهنگ
۱۳۷	 تأثیر فرهنگ در ارکان و ابعاد گوناگون جامعه
۱۴۱	 فرهنگ و دین
۱۴۱	 تفاوت های فرهنگ و دین
۱۴۳	 فرهنگ و دین چه نقشی در مشارکت مردم و قدرت حکومت دارند
۱۴۶	 جامعه مسلمانان - جامعه اسلامی
۱۴۸	 عدالت
۱۴۸	 نمونه ای از آیات صریح در باب اصول و ارزشها
۱۴۹	 رهبران و حکام فاسد
۱۵۲	 فردی بودن اعمال دینی در مجازات و پاداش
۱۵۴	 در روز قیامت هم ، همه تقلب ها ، اختلاف شما فاش خواهد شد
۱۵۴	 منابع مشروعیت
۱۵۸	 منبع سنت و فرهنگ
۱۵۸	 مردم
۱۵۸	 منبع حقوق
۱۵۸	 ایدئولوژی به عنوان یکی از منابع مشروعیت
۱۵۸	 تخصص
۱۵۹	 منبع فردی
۱۵۹	 منبع زور و قدرت
۱۵۹	 تحول سیاست و مفاهیم آن
۱۶۱	 اولین تحول در سیاست مسلمانان
۱۶۳	 تحول و تفکیک دوم
۱۶۶	 مختصری از تحولات دولت و سیاست در اسلام
۱۶۸	 بخش دوم - عربستان در عصر جاهلیت
۱۶۹	 فصل اول - جامعه شناسی سیاسی عرب جاهلی

۱۷۰	تقسیمات جزیره العرب
۱۷۱	تمدن عرب در عصر جاهلیت
۱۷۲	راه ها و روابط بین المللی اعراب
۱۷۳	مختصری از اوضاع جهان قبل از ظهور اسلام
۱۷۴	اوضاع سیاسی اجتماعی ایران
۱۷۶	کلمه عرب
۱۷۶	نژاد عرب
۱۷۷	شیوه زندگی و صفات بادیه نشین ها
۱۷۸	خصال عرب جاهلی
۱۸۰	قاعده انتقام
۱۸۱	قمار ، شرب خمر ، فحشاء در جامعه جاهلی
۱۸۲	غارت و دستبرد به اموال دیگران
۱۸۳	تعصب جاهلی و تفرقه
۱۸۴	پایه تعصب جاهلی
۱۸۵	قبیله واحد اجتماعی
۱۸۶	قبیله و فرد
۱۸۷	سلسله مراتب اجتماعی در نظام قبیله ای
۱۸۸	عضویت فرد طرد شده در قبیله دیگر
۱۸۸	حلف
۱۸۹	استلحاق و خلع
۱۹۰	شهر و شهرنشینی عرب جاهلی
۱۹۱	بردگی در میان اعراب
۱۹۲	دین و مذاهب
۱۹۳	یهودیت و مسیحیت
۱۹۴	احناف ، صائین ، دین زردشتی و بت پرستی
۱۹۵	منات
۱۹۷	زن در عصر جاهلی
۱۹۸	نکاح
۲۰۰	فصل دوم : سیاست و حکومت در عصر جاهلیت

۲۰۱	 جنگ و زندگی
۲۰۲	 سیاست و حکومت در میان اعراب جاهلی
۲۰۶	 تجارت در مکه
۲۰۷	 ربا خواری
۲۰۸	 فقرا، مزدوران و افراد عادی
۲۰۹	 ساکنان اصلی مکه
۲۱۱	 اوضاع سیاسی مکه
۲۱۱	 مؤسسات و ادارات مکه
۲۱۳	 رقابت و تخاصم
۲۱۴	 تاریخ ائتلاف میان بنی هاشم و بنی امیه
۲۱۵	 امیه و خصوصیات او
۲۱۵	 عمو و دشمن
۲۱۶	 ابولهب
۲۱۷	 ائتلاف برای محاصره اقتصادی و سیاسی
۲۱۸	 وضعیت سیاسی و اجتماعی مدینه قبل از اسلام
۲۱۹	 یهود مدینه و تأثیر اسلام
۲۲۰	 اوس و خزرج
۲۲۱	 بدنبال وحدت
۲۲۲	 بیعت عقبه اول
۲۲۵	 بیعت عقبه دوم
۲۲۶	 هجرت
۲۲۷	 ساکنان مدینه بعد از هجرت
۲۲۸	 بخش سوم - دولت در عصر پیامبر
۲۲۹	 فصل اول - تشکیل و تحکیم پایه های دولت اسلامی
۲۳۰	 مقدمه -
۲۳۱	 اصل حاکمیت در آئین پیامبر
۲۳۳	 حکومت و حاکمیت
۲۳۵	 یثرب مرکز دولت اسلامی
۲۳۵	 سیاست در مسجد و کاخ

۲۳۶	تکوین فرهنگ و آئین جدید
۲۳۷	بیانیه پیامبر اسلام (ص) در مدینه
۲۴۰	سیاست و حکومت پیامبر
۲۴۴	مختصات دولت پیامبر
۲۴۴	مشارکت دادن مردم
۲۴۵	انجام اصلاحات و تحولات
۲۴۸	جلوگیری از اسراف در قتل و ایجاد امنیت
۲۴۸	قرارداد دفاع مشترک
۲۴۹	سادگی احکام و ایجاد انگیزه برای فعالیت اجتماعی عموم مردم
۲۴۹	آزادی انجام امور مذهبی
۲۵۱	وجوب اطاعت از پیامبر
۲۵۲	پیمان برادری
۲۵۳	تبعید مخالفان و مصادره اموال
۲۵۴	توجه به وضع اقتصادی مسلمانان
۲۵۵	تأسیس بیت المال
۲۵۵	تمرکز قدرت
۲۵۶	اعزام نمایندگان و سفرای رسمی به خارج از مدینه
۲۵۸	سفر، پیمانها مکاتبات پیامبر با دولت های دیگر
۲۵۹	عهدنامه خزاعه
۲۶۱	عهدنامه یمن
۲۶۲	عهدنامه همدان
۲۶۳	پیمان مدینه
۲۶۶	پیمان سینا
۲۶۷	عهدنامه پیامبر با اهالی نجران
۲۶۸	توجه به مسئله جانشینی در جنگ و صلح
۲۷۲	فصل دوم - اصول و مبانی سیاسی جنگ
۲۷۳	پیامبر و جنگ
۲۷۴	بررسی نتایج صلح حدیبیه
۲۷۶	فتح مکه و تسریع گسترش اسلام در سراسر عربستان

۲۷۷	اهداف جنگ
۲۷۷	جنگ حنین
۲۷۸	جنگهای محدود و نامنظم
۲۷۹	نابود کردن بصران کفر
۲۷۹	قتل ابن اشرف
۲۸۰	تاکتیک در نبرد
۲۸۰	اطلاعات
۲۸۱	نحوه اداره کشور اسلامی در هنگام رحلت پیامبر
۲۸۱	تعارضات فرهنگی
۲۸۴	فصل سوم - دولت و سیاست پس از پیامبر (ص)
۲۸۵	رقابت گروه های ذینفوذ
۲۸۷	حکایت سقیفه
۲۹۴	جناح بندیها
۲۹۴	انصار
۲۹۶	قریش
۲۹۷	بنی هاشم
۳۰۰	امویان
۳۰۱	ابوسفیان در عصر عثمان
۳۰۲	خروج گروه های ذینفوذ از مدینه
۳۰۵	بخش چهارم - دولت و سیاست خلفای راشدین
۳۰۶	فصل اول - سادگی دولت اولیه
۳۰۷	سادگی
۳۰۹	در سلوک خلفا
۳۱۱	خلافت ابوبکر
۳۱۱	خصوصیات خلیفه اول
۳۱۱	زندگی و امرار معاش خلیفه اول
۳۱۳	بازگشت به جاهلیت و تمرد از حکومت مرکزی
۳۱۳	استدلال کسانی که زکات نمی دادند
۳۱۵	عربستان کانون مبارزه

۳۱۵	 قضاوت در دوران ابوبکر
۳۱۶	 آئین پیامبر و حکومت جدید
۳۱۸	 تثبیت مرکزیت مدینه
۳۱۹	 فتوحات در زمان ابوبکر
۳۱۹	 فتوحات در شام
۳۲۰	 نحوه مرگ خلیفه اول
۳۲۰	 انتخاب و جانشینی
۳۲۲	 فصل دوم - خلافت و سیاست خلیفه دوم
۳۲۳	 ویژگی های خلیفه دوم
۳۲۴	 سیاست عرب گرایانه
۳۲۶	 توسعه سرزمین های اسلامی در زمان خلیفه دوم
۳۲۷	 تردید خلیفه در فتح مصر
۳۲۸	 نحوه رسیدگی به امور
۳۲۹	 استفاده از نظریات دیگران
۳۳۰	 علل و نحوه انتخاب و عزل حکام
۳۳۲	 ساده زیستی و دوری از تجملات حکومت
۳۳۳	 برخورد با هدایا و تمتعات زندگی
۳۳۷	 تفکیک منصب قضاوت
۳۳۸	 ابداعات عمر
۳۳۹	 سهم مؤلفه قلوب
۳۴۰	 طبقه بندی مؤمنان
۳۴۱	 دیوان امور مالی و دیوان الخراج
۳۴۲	 کارکنان دولت و مردم
۳۴۴	 فصل سوم - خلافت و سیاست در دوره خلیفه سوم
۳۴۵	 ترور خلیفه دوم
۳۴۵	 وصیت عمر
۳۴۶	 شورای گزینش خلیفه
۳۴۷	 مذاکرات گزینش خلیفه سوم
۳۴۹	 فصل چهارم - زندگی و خلافت عثمان

۳۵۰	 اسلام آوردن عثمان
۳۵۰	 وضع عثمان بعد از اسلام
۳۵۱	 عجز عثمان در سخنرانی
۳۵۲	 سیاست و رویه عثمان - انحراف از سیاست پیامبر
۳۵۳	 درگیری صحابه عثمان
۳۵۴	 مخالفان عثمان
۳۵۶	 انحراف از اصول اقتصاد اسلامی
۳۵۹	 اعتراض و پاسخ
۳۶۱	 گروه گرایی
۳۶۴	 فرمانداران فاسد
۳۶۷	 عایشه بر علیه عثمان
۳۶۸	 ابوذر و عثمان
۳۷۱	 عثمان و عمار یاسر
۳۷۲	 عبدالله ابن سعد ابی سرح
۳۷۴	 تمهید عثمان
۳۷۴	 دومین تمهید
۳۷۶	 بخش پنجم - قیام به قسط و استقرار دولتی کامل
۳۷۷	 فصل اول - علی و خلافت
۳۷۸	 چگونگی گزینش خلیفه چهارم
۳۷۸	 ابوالحسن علی بن ابیطالب
۳۸۱	 خصوصیات جسمی علی (ع)
۳۸۱	 بیانیه حکومت
۳۸۳	 رسیدگی به نحوه قتل عثمان
۳۸۴	 عزل مجریان سیاستهای غیر دینی
۳۸۶	 انگیزه های تخاصم با امام
۳۸۷	 دشمنان علی
۳۸۸	 نرمش و مدارا با مخالفان
۳۸۸	 عایشه دشمن علی
۳۸۹	 ائتلاف مخالفان علی در جنگ جمل

۳۹۱	 اختلاف در تصدی امر خلافت
۳۹۳	 اعمال خشونت و جنگ طلبی مخالفان
۳۹۵	 نتایج این جنگ
۳۹۵	 علی در بصره
۳۹۷	 جنگ صفین
۳۹۷	 خوارج
۳۹۹	 تعریف خوارج
۴۰۱	 نژاد خوارج
۴۰۲	 نظر خوارج در مورد سیاست و حکومت
۴۰۲	 وجوب و جواز خلافت
۴۰۵	 فصل دوم - و علی تنهاست در
۴۰۶	 امام علی (ع) و حکام
۴۰۸	 رفتار سیاسی علی
۴۱۱	 تضعیف اعتقادات دینی
۴۱۱	 مساوات
۴۱۴	 آیا علی سیاستمدار نبود
۴۲۱	 نفی تعصبات جاهلی
۴۲۱	 در شجاعت علی
۴۲۲	 قوه قضائیه پس از عمر
۴۲۲	 نامه مالک - ترویج و حفاظت از فرهنگ خوب
۴۲۴	 حقوق متقابل مردم و حاکم
۴۲۴	 ظلم حاکم به مردم
۴۲۴	 ترس از حکام
۴۲۵	 منت گذاردن بر مردم
۴۲۵	 سوءاستفاده از امکانات
۴۲۵	 نزدیکان و خویشاوندان حاکم
۴۲۵	 رعایت اکثریت در قبال اقلیت
۴۲۶	 جلوگیری از عیب جویی مردم
۴۲۶	 مشاورین

۴۲۶	 میزان مالیات و احساس امنیت
۴۲۷	 جلوگیری از احتکار
۴۲۷	 پرهیز از خونریزی
۴۲۸	 تقسیم امکانات به مساوات
۴۲۸	 خودداری حکام از شرکت در میهمانی های تشریفاتی
۴۲۹	 نامه به حسن و حسین پس از ضربت خوردن
۴۳۰	 بخش ششم - حقوق و اقتصاد در دولت اسلامی
۴۳۱	 نظریات سیاسی و حقوقی حکومت مسلمانان
۴۳۱	 حکومت و ضرورت آن
۴۳۲	 حکومت و خلافت از دید ابن خلدون
۴۳۶	 لقب امیر المؤمنین
۴۳۷	 حکومت از دید اهل سنت
۴۴۰	 بیعت
۴۴۲	 ابعاد پیامبر و معصوم از دید شیعه
۴۴۳	 امامت
۴۴۴	 خلافت نبوی
۴۴۴	 خلافت سیاسی
۴۴۵	 اهل سنت و امامت
۴۴۶	 فضل الله روز بهان خنجی اصفهانی
۴۴۷	 طرق انعقاد امامت
۴۵۰	 نظریه ابوالحسن علی بن محمد مازدی در باب حکومت
۴۵۱	 عقد امامت
۴۵۱	 کیفیت انعقاد امامت
۴۵۲	 وجوب امامت
۴۵۳	 تحقق امامت
۴۵۴	 تعدد داوطلبان امامت
۴۵۶	 انتخاب دو امام به طور همزمان
۴۵۷	 نصب امام توسط امام قبلی
۴۶۲	 تعدد جانشینان

۴۶۵	 لزوم شناخت مردم از امام
۴۶۶	 شیعیان و فقه سیاسی
۴۷۰	 شیعه و امامت
۴۷۲	 اجماع
۴۷۴	 امامت فاضل بر مقضول
۴۷۵	 سیاستهای اقتصادی مسلمانان و اسلام
۴۷۵	 اقتصاد از نظر اسلام
۴۷۷	 سیاست مالی مسلمانان و تحول آن
۴۸۱	 بیت المال
۴۸۱	 غنائم
۴۸۲	 جزیه
۴۸۲	 خراج
۴۸۳	 فهرست منابع و مأخذ

مقدمه

این کتاب در خلال تدریس «درس تاریخ تحول دولت و سیاست در اسلام» در دانشگاه تهران و برخی از دانشکده‌های دیگر تدوین شده و در سه جلد آماده گردید. یک جلد آن پس از بررسی قرار بود به چاپخانه دانشگاه تهران برود. اما مسائل و حوادثی روی داد که سبب شد، آن را باز پس گیرم و چاپ نکنم. پس از چندی با کمرنگ شدن درگیری‌های دانشگاه و کاهش فشارها آن را به یکی از ناشرین که هم اسم و هم رسم قلم آشنا داشت، سپردم، حدود چهار سال در کش و قوس چاپ بود. اما پس از این مدت معلوم شد که دیسک‌ها و دو نسخه جلد دوم و سوم به طور کلی مفقود گردیده است و تنها یک جلد اول کتاب، بدون سی‌دی کامپیوتری آن باقی مانده است. از این رو ناچار از نو آن را به دست ماشین نویس سپردم و گرفتاری‌های تصحیح و تطابق مجدد را به جان خریدم و اهل نوشتن می‌دانند که این دوباره‌کاری‌ها چه مفاهیم آزار دهنده‌ای را در پی دارد.

بهر تقدیر پس از سالها تحقیق و تدریس در زمینه علت یابی تحول و تغییر در دین و دولت مسلمانان به نظریه‌ای رسیدم که از دید نویسنده این سطور بسیار مهم و کارساز است. بر اساس این نظر، فرهنگ یکی از ارکان اصلی و سازنده هر جامعه است. منظور از جامعه یک قبیله تا یک جامعه سیاسی بزرگ است. این اهمیت به حدی است که پذیرفتم برخلاف نظریه اندیشمندان سیاسی که دولت را مرکب از چهار رکن جامعه، سرزمین، حکومت و حاکمیت می‌دانند. دولت باید مرکب از پنج رکن باشد، که رکن مهم و پنجم آن فرهنگ

است. زیرا فرهنگ حاوی و حامل آئین و ارزش‌های تنظیم‌کننده رفتار انسان‌ها در جامعه است. و جامعه بدون فرهنگ اساساً بی‌معناست و شکل نمی‌گیرد. خواه یک جامعه بدوی و اولیه باشد و یا جامعه پیشرفته.

فرهنگ مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هاست که بر اثر تجربه و مرور زمان در یک جامعه خاص و در سرزمینی معین به وجود می‌آید و مردم با استفاده از آن، رفتارهای گوناگون خود را شکل داده و یا به مرحله اجرا در می‌آورند. به این جهت هر جامعه‌ای دارای فرهنگ خاص و ویژه خود می‌باشد. زیرا نیازها، امکانات، اهداف، آرزوها، محدودیت‌ها و تنگناها در هر جامعه مختص همان جامعه است. پس فرهنگ هر جامعه در کلیت خود، امری خاص و محدود به آن جامعه می‌شود. هر چند که نقاط اشتراک با فرهنگهای دیگر هم دارد. به کمک آشنایی با اصول و چارچوب یک فرهنگ می‌توان چگونگی رفتارهای اجتماعی، نحوه شکل‌گیری، ثبات، یا تغییرات آن را توجیه و تفسیر نمود. به عبارت دیگر بدون توجه به فرهنگ نمی‌توان علل و دلایل تحول و تغییرات مادی و غیرمادی در یک جامعه را تحلیل کرد. تغییراتی که در حوزه سیاست، اقتصاد، دین، تکنولوژی، روابط اجتماعی و غیره رخ می‌دهد همه متکی بر فرهنگ است.

در تشبیه و تعریف فرهنگ می‌توان گفت فرهنگ برای جامعه هم چون حافظه برای انسان است. فرهنگ حامل و حاوی خاطرات و مفاهیمی برای آدمی است که به یاد او می‌آورد که پیش از این درباره هر موضوع خاص چگونه عمل شده است. به این دلیل اعضای یک جامعه رفتار روزمره خود را با آن هماهنگ ساخته و از آن الگو می‌گیرند. پس فرهنگ شامل شیوه نگرش مردم به خود و محیط اطراف اوست. راه و رسم زندگی در خانه، و محله و محیط و شهر و جامعه است.

فرهنگ شامل قوانینی عرفی و نانوشته‌ای است که مردم بر اساس آن رفتار می‌کنند. بدون آن که اجباری محسوس یا ضمانت اجرایی قانونی داشته باشد. برخی از نویسندگان هم چون هری تری یاندیس در کتاب فرهنگ و رفتار اجتماعی، فرهنگ را به عینی و ذهنی تقسیم بندی می‌کنند. جنبه‌های عینی فرهنگ شامل ابزار، جاده، رسانه‌های جمعی و ... است. جنبه‌های ذهنی فرهنگ شامل طبقه‌بندی‌های مفاهیم، هنجارها، قواعد و ارزشهاست.

براساس تجزیه و تحلیل فرهنگ ذهنی می‌توان دریافت که افراد چگونه دیگران و محیط اجتماعی را شناسایی و درک کرده. آن را طبقه بندی و ارزش گذاری می‌کنند.

فرهنگ هر جامعه دارای نشانه‌ها و الگوهای خاص خود است. الگویی مبتنی بر باورها، ارزش‌ها و هنجارها که مضامین موجود در جامعه را سازمان می‌دهد. در مقایسه فرهنگ‌ها با یکدیگر است که می‌توان به تفاوت‌ها و

اختلافات و همچنین تشابهات آنان پی برد. هر فرهنگی در مقایسه با فرهنگ دیگر ممکن است درجه‌ای از پیچیدگی را داشته باشد و فرد گرایا جمع گراتر باشد. همچنین درجات گوناگونی از چیرگی و سلطه فرهنگ بر افراد جامعه را نشان دهد. به علاوه چگونگی تغییر در فرهنگ ها هم متفاوت است.

ممکن است در باب تغییرات فرهنگی نظرات مختلفی ارائه شود. اما آنچه مسلم است، فرهنگ قابل تغییر است. اما این تغییر سریع، همه جانبه و یک پارچه نیست. بلکه کند، تدریجی و متناسب با مجموعه ارکان فرهنگ صورت می‌گیرد. فرهنگ هر جامعه با توجه به عوامل جمعیتی، اقلیمی و سرزمینی و حکومت و دین شکل گرفته یا تغییر می‌یابد.

به عنوان مثال در مناطق سردسیر نوع پوشش و لباس دارای محدوده معینی است. یا در مناطق حاشیه دریا مردم اقتصاد خود را متکی بر دریا ساخته، تحرک بدنی زیاد در محیط خود دارند، لذا معمولاً استقلال نفس و زندگی و آزادی میان آن مردم بیشتر دیده می‌شود. در حالی که در محیط‌های کشاورزی چنین وضعی وجود ندارد. اعضای چنین جوامعی برای توسعه طرح‌های کشاورزی خود باید همکاری بیشتری با یکدیگر داشته و آزادی فردی محدودتر را بپذیرند. در عین وجود ثبات در این جوامع، تغییرات در طول زمان اجتناب ناپذیر است. زیرا جوامع نیاز به تغییرات دارند. در هر دوره مشخص تاریخی، مردم نیازهای جدیدی یافته برای رفع آن ابزارها و روش‌های صنعتی و تمدنی جدیدی را تولید و خلق می‌کنند.

در نتیجه رفتار آنان متناسب با تغییرات همه جانبه اجتماعی تغییر می‌کند. به عنوان مثال بررسی وضع تهران در صد سال گذشته می‌تواند این تغییرات را به خوبی نشان دهد. در طول قرن اخیر مردم تهران از نظر نوع مسکن، اشتغال، تفریحات، تعداد فرزندان، خانه سازی، شهرسازی، روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی، آموزشی و دینی تغییر کرده‌اند. این تغییرات برای هر نسل نامحسوس است. زیرا به تدریج تغییر می‌کند. و مردم نیز همگام با تغییرات مادی و محسوس، به شکل بسیار کند و نامحسوسی فرهنگ رفتارها و اعمال خود را شکل می‌دهند.

فرهنگ در هر جامعه‌ای دارای رقیبانی است که آنها هم می‌کوشند رفتار مردم را تنظیم کنند یا آنان را وادار به انجام برخی کارها نموده و از برخی اعمال دور نمایند به طور خلاصه این رقیبان عبارتند از:

۱- دین.

۲- حکومت و قانون.

۳- علم و باورهای علمی.

۴- ایدنولوژی.

۵- فرهنگ های دیگر به ویژه فرهنگ های مسلط و قدرتمند.

فرهنگ ها دارای حوزه نفوذی هستند که عبارت از زبان، مکان، زمان - فرازبان.

فرهنگ را می توان از نظر موضوع، ابزار، ارکان، عناصر، روش ها و سیاست ها و اهداف مورد بررسی قرار داد. و جالب این است که در بسیاری از جوامع از جمله ایران، معمولاً فرهنگ را مساوی با ابزارها و عناصر آن تلقی می کنند.

همچنین می توان فرهنگ را از نظر میزان توسعه، نحوه اشاعه و گسترش، تداوم، تغییرات و نحوه انتقال مورد بررسی قرار داد.

یا در تقسیم دقیق فرهنگ و توجه به رفتارهای فرهنگی افراد در جامعه می توان به فرهنگ فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، دینی، مذهبی، بهداشتی و غیره اشاره کرد.

توجه به نقش و کارکرد فرهنگ در جوامع غربی بسیار زیاد و قابل توجه است. در حالی که در جهان سوم به این امر توجه زیادی نشده و نمی شود. هرچند مطالعات فرهنگی معمولاً به شکل مستقل و مربوط به یک جامعه خاص بوده اما، در سالین اخیر هم رشته جدیدی مورد توجه واقع شده است که در آن به مطالعات میان فرهنگی می پردازند. مطالعات میان فرهنگی به مقایسه تفاوتها و تشابهات میان دو یا چند فرهنگ مختلف می پردازند. این مطالعات را می توان به اشکال زیر مورد توجه قرار داد.

۱- میان فرهنگی به لحاظ زمانی، که به بررسی تفاوت های فرهنگی یک جامعه در دوره های تاریخی مختلف می پردازد.

۲- میان فرهنگی به لحاظ اقوام موجود در یک دولت، مثل اقوام لر، کرد، ترک، فارس و ... در ایران

۳- میان فرهنگی به لحاظ دینی واحد - مسلمانان در اروپا، یا آسیا، خاور میانه و ...

۴- میان فرهنگی به لحاظ نژاد واحد، در کشورهای مختلف.

۵- میان فرهنگی به لحاظ جغرافیای سیاسی.

۶- میان فرهنگی میان ادیان مختلف.

۷- میان فرهنگی میان مذاهب مختلف یک دین.

۸- میان فرهنگی میان علمی.

۹- میان فرهنگی میان فرهنگی.

۱۰- مطالعات میان فرهنگی به لحاظ جغرافیا و مکان.

۱۱- مطالعات میان فرهنگی به لحاظ توجه به دیدگاههای فلسفی حاکم بر جوامع.

۱۲- مطالعات میان فرهنگی به لحاظ توجه به دیدگاههای ارزشی و اخلاقی.

با عنایت به سرفصل‌های ذکر شده، باید به یک نکته بسیار مهم هم اشاره کرد و آن پایداری اصول کلی فرهنگ در جریان تحولات و تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه است. مثلاً در بررسی جامعه عرب در قبل و بعد از اسلام می‌توان به حیات اصول و ارزش‌های کلی در دوره جاهلیت، پس از ظهور اسلام و در دوران خلفای راشدین و پس از آن اشاره کرد.

به عنوان مثال عصبیت قومی و گرایش به حفظ منافع خاندان‌های قبل از اسلام قدرت و دوام زیادی از خود نشان می‌دهد. این اصل که در زمان پیامبر اکرم (ص) تضعیف شد. اما بلافاصله پس از رحلت ایشان، به کوچکترین بهانه‌ای دوباره خود را نشان داد. در رفتار اوس و خزرج در سقیفه، در زمان ابوبکر، در برخورد با اقوام و قبایلی که حاضر به پرداخت مالیات نبودند. و در برخورد خلیفه دوم با اعراب و اولویت دادن به آنها و برخورد عثمان با اقوام و وابستگان خود این اصل باقی و برقرار است. کما اینکه در دوره‌ها بعد در زمان بنی امیه و بنی عباس هم در اشکال خاص خود می‌ماند، تا که در قرن معاصر که مسأله ناسیونالیسم مطرح می‌شود. اصالت دادن به قبیله و ملت خود در زمان معاصر هم سبب عدم اتحاد همه جانبه اعراب گردیده است. به علاوه اختلافات موجود در میان اعراب گاه زمینه‌های برخورد و جنگ را میان آنان فراهم ساخته است.

نکته‌های دیگر در باب غلبه یافتن اصول فرهنگ در جوامع مسلمان و عدم حاکمیت کامل و همه جانبه دستورات و ارزش‌های دینی در مقابل ارزش‌های فرهنگی در جوامع مسلمان است. در سیاست و حکومت هم فرهنگ سبب شد که موازنه مناسبی میان مردم و حکومت برقرار نگردد. و حکومت همواره حق مردم را نادیده گرفته، به ظلم و اجحاف بپردازد. این موضوع در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

چنانچه به مدارک و منابع مورد استفاده مراجعه شود، معلوم می‌گردد که از کتابها و منابع عادی مردم اهل سنت نیز بهره‌ها برده است. بحث این کتاب شناسایی نقش فرهنگ در جامعه است. قصد دارد روشن سازد که آیا دین از ابتدا در جوامع مسلمانان مورد توجه بود؟ یا آن که معیارها و اصول دیگری تحت عنوان دین و مذهب وارد صحنه شده است؟ بر این اساس معلوم شود آنچه که تحت عنوان مذهب در هر کشور مسلمان شناسایی شده چرا با مذاهب واحد رفتارهایی یکسان و مشابه دیده نمی‌شود؟ مثلاً چرا شیعیان لبنان و ایران و عراق و مناطق افغانستان و شوروی رفتارهای مشابه ندارد؟ چرا مردم مصر رفتار مشابه دینی با مردم

سودان و تونس و لیبی ندارند. و چرا اعراب در هر کشور با وجود دین مشترک متحد نمی باشند؟ مردم سوریه چه تفاوت‌هایی با مردم عرب شمال آفریقا یا کشورهای حاشیه خلیج فارس دارند؟ در این مقایسه معلوم می شود که دین اسلام در عین آن که بر بیش از پنجاه کشور مسلمان نفوذ دارد، اما این امر سبب نزدیکی همه جانبه مردم آنان به اصول اساسی دین نیست. زیرا در هر یک سیاست‌ها و حکومت‌ها و روابط اجتماعی کاملاً متضاد و متفاوتی حاکم است؟ این تضاد و تفاوت نمی تواند ریشه در دین اسلام داشته باشد، پس مربوط به فرهنگ خاص آن جوامع است که رنگ و بوی مذهبی گرفته است. و تا هنگامی که دو مقوله دین و فرهنگ به طور مستقل در هر کشور شناسایی و از یکدیگر تفکیک نگردد. این اختلاف در جوامع همچنان باقی خواهد ماند.

اندیشمندان مسلمانان به جایی کیی برداری از معارف دین مسیحیت و یهودیت، باید شناسایی اصول اساسی دین اسلام در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی پرداخته، و آن را از مسائل بومی و فرهنگی کاملاً دور کنند. تا امکان وحدت و اتحاد میان مسلمانان فراهم شده و همچنین مردم هم رابطه صحیح با آموزه های قرآن و سنت پیامبر اکرم و معصومین (ع) پیدا کنند.

فرهنگ در جوامع مسیحی و یهودی هم نقش خاصی را در برابر دین ایفاء کرده است. به عنوان مثال حدود ۳۳۰ سال پس از ظهور مسیحیت، کنستانتین امپراتور روم، دین عیسی (ع) را پذیرفت، اما این پذیرش در جامعه شرک آلود صورت گرفت. فرهنگ آن جامعه با دین مخلوط شد، و ترکیب جدیدی به وجود آورد که نه فرهنگ جامعه غیر دینی روم بود، و نه به طور کامل تابع دستورات حضرت مسیح به حساب می آمد. در عربستان عصر جاهلیت، اقوام و قبایل به اصول فرهنگی خاصی گرایش داشتند. آنان در رفتارهای اجتماعی و خانوادگی، روابط درون و برون قبیله ای، در امور اقتصادی و غیره بر اساس معیارها و ارزش های خاصی عمل می کردند. این اصول با ظهور دین مبین اسلام در خطر قرار گرفت، آنان که خالص تر بودند. و از صمیم قلب به خداوند و دین گرایش یافتند. فرهنگ عرب جاهلی را بیشتر رها کردند. لذا در رفتارهای خود علانمی از دنیا طلبی، خود خواهی، گرایشات و تعصبات خاندانی و قبیله ای را نشان دادند. این افراد گروه های معارض و مخالف چون خاندان بنی امیه و حتی در میان صحابه و اقوام پیامبر اکرم (ص) بودند. آیا این عجیب نبود، که اندکی پس از غدیر خم، همه کوشیدند آن وصیت پیامبر را فراموش کنند؟ آیا عجیب نبود که نزدیکان پیامبر اجازه نوشتن وصیت را به او ندادند؟ آیا عجیب نبوده عده ای از صحابه که مدعی عشق و دوستی و ارادت به پیامبر بودند درست در زمان رحلت ایشان، به جای آن در کنار او، و در

کنار خاندان او باشند ، جسد آن حضرت را در حین غسل دادن رها کرده و به سقیفه هجوم برده و مشغول منازعه برای تصدی حکومت شدند ؟ وقتی امری به این مهمی توسط صحابه مغفول می ماند ، آیا بدیهی نخواهد بود که پس از ایشان اجازه نقل احادیث پیامبر را ندهند ؟ آیا توجیه مطلب مشکل است که اصول اساسی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دین به تدریج مهجور و متروک گردد ؟ اصولی چون برابری و برادری تمام خاد مردم جامعه ، تقسیم مساوی امکانات بیت المال ، نظارت همه جانبه مردم بر کار حکومت ، توجه کامل به سیره پیامبر و بسیاری معیارهای دیگر که از جامعه خارج گردد . و در این انحراف ، جز توجه به مبانی فرهنگی حاکم بر جامعه چه چیز دیگری می تواند ملاک و معیار سنجش صحیح از ناصحیح و سره از ناسره باشد . این کتاب به هیچ وجه قصد آن ندارد که وارد دعوای تاریخی فرق و مذاهب اسلامی گردد بلکه در صدد است موضوعی نو را طرح و بحث نماید و ریشه فرهنگی مسائل و تأثیر آن بر تحول جامعه مسلمانان را بازگو و طرح نماید. زیرا چنان که اشاره شد، دارد این کتاب قصد دارد به بررسی نقش فرهنگ در جامعه مسلمانان بپردازد و باز چنانچه مرقوم افتاد کتاب در سه جلد تنظیم شده و آماده چاپ بود. اما متأسفانه دو جلد که شامل دوره‌های میانی تا دوران معاصر و جلد سوم مربوط به سیاست و حکومت و دین و دولت در جوامع معاصر مسلمان بود توسط ناشر مفقود گردید. و از این بابت حتی یک عذرخواهی هم به عمل نیامد. امید است به خواست حق تعالی در آینده نه چندان دور این دو جلد از نو نوشته شود. جلد اول کتاب تا پایان دوره خلفای راشدین را در بر می‌گیرد و این بنده از حضرت حق مسألت دارد که آن را گامی هرچند کوتاه در جهت اصلاح فرهنگی در جامعه تلقی فرماید.

علی باقری

(ح.ن)

مرداد ماه ۱۳۸۴